

رابطه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه با تمایل به کارآفرینی در مدیران مدرسه ابتدایی

خاطره تقی پور^۱، اکبر اعتباریان خوراسگانی^۲، فائزه تقی پور^۳

Received: 04/02/2019

صفحات: ۱۷۷-۱۵۴

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

Accepted: 06/09/2019

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵

چکیده

روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری آن کلیه مدیران مدرسه ابتدایی شهر اصفهان در سال ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۱۸۰ نفر بود. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه "kerdnaeich (2006)" و پرسشنامه تمایل به کارآفرینی "lampin&dess (2001)" استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها توسط استاد راهنما و چند نفر از صاحب‌نظران موضوعی و روایی صوری نیز توسط چند تن از افراد جامعه آماری تایید شد. همچنین پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه ۰/۸۵۷، پرسشنامه تمایل به کارآفرینی ۰/۸۰۲ محاسبه شد. نتایج نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه با تمایل به کارآفرینی در مدیران مدرسه ابتدایی رابطه وجود دارد و همچنین رابطه ریسک‌پذیری متعادل، کانون کنترل درونی، نیاز به موفقیت، سلاست فکری، عملگرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش طلبی با تمایل به کارآفرینی مثبت و معنادار بود.

کلید واژه‌ها: ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه، تمایل به کارآفرینی، چالش طلبی، ریسک‌پذیری متعادل، مدیران مدرسه ابتدایی

۱- کارشناسی ارشد مدیریت تحول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲- دانشیار گروه مدیریت دولتی و عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
نویسنده مسئول
۳- استادیار گروه مدیریت فرهنگی و عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
Email: etebarian@khuif.ac.ir

مقدمه

کارآفرینی به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی و نوآوری در نظر گرفته شده است (Sitaridis, 2018)، موتور محرکی که موجب بهبود کیفیت زندگی، توزیع مناسب در آمد، بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آنها برای بهره‌وری عظیم ملی و افزایش سود اجتماعی می‌شود، علاوه بر این کارآفرینی منبع اصلی اشتغال، رشد اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی است (Leutner, 2014). به همین خاطر سازمانها در محیط پویای رقابت جهانی امروز با وجود تغییرات سریع جهانی، جهت بقا و دستیابی به موفقیت‌های رقابتی به طور فزاینده ای به انجام فعالیتهای کارآفرینانه متعهد شده اند (Covin & Kuratko, 2008). در واقع امروزه کارآفرینی را به عنوان یکی از ابزارهای توسعه محسوب می‌کنند. چراکه وجود انسان‌های کارآفرین موجب ایجاد بستر موفقیت‌ها می‌شود. سازمان‌هایی که می‌خواهند به طور موفق کارآفرینی سازمانی را انجام دهند، نیاز به یک گرایش کارآفرینانه دارند. گرایش کارآفرینانه در مورد روش‌های راهبردی و سبک‌های اتخاذ شده مدیران در فعالیتهای کسب و کار می‌باشد (Pearce et al, 1996). همچنین گرایش کارآفرینانه مزیت استراتژیک است که در بررسی فرصت‌های شرکت محقق شده است و این امور را به منظور امکان استفاده از این فرصت‌ها سازمان دهی می‌کند (Huang & Wang, 2011). تمایلات کارآفرینی به عنوان بهترین شاخص جهت رفتار برنامه ریزی شده شناخته شده است (Mei, 2017).

تحقیقات پیشین درباره کارآفرینان موفق نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی خاص افراد در برانگیختن آنها در جهت کارآفرین شدن نقش داشته و می‌توانند آنها را از افراد غیرکارآفرین متمایز سازند. همچنین تحقیقات اخیر درباره کارآفرینی توجه خود را از فرد به فرآیند معطوف داشته ولی تمرکز بر کارآفرینی از اعمال به بازیگران تغییر جهت پیدا کرده و تأثیر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی مرکز مطالعات تمایلات کارآفرینانه شده است. به همین خاطر در سال‌های اخیر توجه فراوانی نسبت به ویژگی‌های کارآفرینانه به عنوان عوامل مؤثر در تمایل به کارآفرینی پدید آمده است. بررسی ویژگی‌های کارآفرینانه نشان می‌دهد که داشتن ویژگی‌های شخصیتی خاص، احتمال اینکه فرد در فعالیتهای کارآفرینانه مشغول شود را بالا می‌برد و البته درجه رواج این گونه ویژگی از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند (kafi, 2013).

در واقع واژه ویژگی‌ها معمولا به الگوهای عادی رفتارها، اندیشه‌ها، احساسات و نگرش‌هایی که در طبیعت فرد به طور ذاتی وجود دارد بر می‌گردد. انتظار می‌رود که این ویژگی‌ها از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد و شخصیت اغلب آنها نیز در طول زمان ثابت می‌مانند (Ramirez, 2013).

در این راستا بررسی پیشینه مطالعات کارآفرینی نشان می دهد که کارآفرینان ویژگی‌های مخصوصی دارند (Matviuk, 2010). محققین این ویژگی‌ها را شامل ۹ ویژگی می‌دانند که عبارتند از؛ "ریسک‌پذیری متعادل"^۱ که به پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌تواند می‌تواند با تلاش‌های شخصی مهار شود، اشاره دارد، "کانون کنترل درونی"^۲ که به عقیده فرد بر اساس اینکه تحت کنترل وقایع خارجی است یا داخلی، اشاره دارد، "نیاز به موفقیت"^۳ که به میل به انجام کار در سطح استانداردهای عالی به قصد موفقیت در موقعیت‌های رقابتی اشاره دارد، "سلاست فکری"^۴ که به توانایی انجام امور فی البداهه و حل اینگونه مسائل به صورت موفقیت آمیز اشاره دارد، "عملگرایی"^۵ که به توانایی خوب انجام دادن کارها و داشتن پشتکار و امید به موفقیت در امور محوله اشاره دارد، "تحمل ابهام"^۶ که به پذیرش عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی اشاره دارد، "رویاپردازی"^۷ که به توانایی فرد در ارائه ایده‌های نوین بخصوص در زمینه‌هایی جدید اشاره دارد، "چالش طلبی"^۸ که به میزان تمایل افراد به درگیر شدن در کارهای پیچیده و مبهم اشاره دارد، کارآفرینی فردی که حالتی است که فردی کسب و کار مستقلی را ایجاد می کند یا نمایندگی آن را از طریق شناسایی فرصت و بسیج منابع و امکانات الزم به دست می‌آورد (kerdnaeich,2006).

مورد مطالعه در این پژوهش مدیران مدارس ابتدایی می باشند، چرا که کارآفرینی در آموزش و پرورش فرایند منظم و مستمری است که از یک سو به شناسایی و بهره برداری مؤثر از کلیه منابع درونی و بیرونی نظام آموزشی منجر می شود و از سوی دیگر موجب ایجاد فرصت‌های جدید یاددهی و یادگیری می‌گردد.

در واقع نقش آموزش و پرورش در کار آفرینی به واسطه تاثیر جامعه شمولی که دارد و بالطبع هرگونه تأثیر و تأثر در آن، جامعه را نیز به سرعت تحت تأثیر قرار می‌دهد، بسیار پررنگ است (Mohammadi, 2019).

همچنین نقش مدیر نیز در مجموعه‌هایی که کارآفرینی از ضروریات و عامل اصلی است بسیار مهم و حساس است زیرا مدیریت می‌تواند توانایی و استعداد کارآفرینی را در افراد ایجاد، ترویج و

-
1. Moderate risk-taking propensity
 2. Internal control center
 3. Need for success
 4. Thought Flow
 5. Operation oriented
 6. AmbiguityTolerance
 7. Vision
 8. Challenge

تشویق کند و یا رفتار و عملکرد او می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. مدیران مهم‌ترین عامل تغییر و پیشرفت در مدارس هستند و مسلماً شخصیت و رفتار مدیر تأثیر بسیار بر روی کارکنان مدرسه و تحقق اهداف آموزشی دارد. بر همین اساس در انتصاب مدیران آموزشی بایستی به مهارت‌ها و شایستگی‌های آنها توجه شود و ملاک‌گزینش آنها، تخصص و شایستگی لازم باشد تا آنها از همه منابع و امکانات موجود در جهت تحقق اهداف به نحو مطلوب استفاده نمایند (Mohammadi, 2016).

مدیران آموزشی باید با بهبود محیط آموزشی و ایجاد فضای سازمانی مطلوب در مدارس، فرصتی مناسب و مقتضی برای رشد روحیه کارآفرینی در معلمان و دانش‌آموزان ایجاد کنند تا از این طریق روحیه کارآفرینی و رفتار کارآفرینانه بر کل جامعه حاکم شود و کشور به سمت و سوی توسعه و ترقی گام بر دارد. لذا با توجه به این که محققین بسیاری به اهمیت ویژگی‌های کارآفرینانه بر تمایل به کارآفرینی اشاره نمودند، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه با تمایل به کارآفرینی در مدیران مدرسه ابتدایی رابطه‌ای وجود دارد؟

مبانی نظری

تمایل به کارآفرینی در زمینه‌های آموزشی

اثبات این امر که دنیای امروز، یک دنیای پویا و سریعاً در حال تغییر می‌باشد، امری پیش پا افتاده و عادی است. جامعه خود نیز مجبور به یادگیری و واکنش به شیوه‌ای انعطاف‌پذیر در برابر تحولات جدید رویدادها است. «پیشرفت جامعه دانش محور و بازار کار رقابتی در هر دو بافت محلی و جهانی موجب شده است آموزش از منظر افراد و جامعه در جایگاه مهمی برای گذران زندگی و دوام بیشتر قرار بگیرد» (Sam & Van der Sijde, 2014). اما، در مقایسه با پویایی یک جامعه دانش محور، مدرسه و به خصوص دانشگاه با رخوت و بی‌علاقگی و یک تمایل آشکار نسبت به هم‌آوری از سیستم‌های سنتی خود واکنش نشان می‌دهند. در طول چند دهه گذشته، جهانی شدن و تقاضاهای روز افزون اقتصاد دانش محور موجب شده است آموزش در بسیاری از کشورهای جهان دستخوش دگرگونی‌های قابل توجهی شود (Usaci, 2015). Masen & Olson (2007) اشاره می‌کنند که این اصلاحات نیز در غالب یک بحران ادراک شده در آموزش اروپا، جایی که مباحث مرتبط با کاهش کیفیت، فقدان بهره‌وری و ارتباط ضعیف روبرو هستند، غالباً به گوش می‌رسد» (Pinheiro & Stensaker, 2013). از سوی دیگر، تمایل به

کارآفرینی، صفتی است که موجب می‌گردد یک فرد، یک دوره کاری را در یک شغل آزاد بگذراند یا کسب و کار شخصی خود را راه بیاندازد و یا در انجام یک شغل، خلاقیت و کارآفرین باشد (Espíritu & Sastre, 2015).

در ادامه برخی از این مدل‌ها به صورت خلاصه توضیح داده می‌شوند. مدل شاپیرو^۱ که مدل رویداد کار آفرینانه نامیده شده است (EEM) و برای توصیف یک فرایند کار آفرینانه که در آن نیت مندی در محوریت قرار دارد استفاده می‌شود. این مدل، راه اندازی کسب و کار را به عنوان رویدادی که می‌تواند به واسطه تعامل بین ابتکار عمل، توانایی، مدیریت، استقلال نسبی و ریسک توضیح داده شود، در نظر می‌گیرد (Usaci, 2015).

نظریه رفتار برنامه ریزی شده: (TPB) مدل دوم نظریه رفتار برنامه ریزی شده (TPB) است که توسط آجزن^۲ در سال ۱۹۹۱ معرفی شد. نظریه رفتار برنامه ریزی شده (TPB) شامل سه مؤلفه است که شکل گیری قصد را پیش‌بینی می‌کنند؛ و عبارتند از (۱) نگرش فرد نسبت به رفتار، (۲) هنجارهای ذهنی و (۳) میزان کنترل رفتاری ادراک شده (احساس کارآیی فردی). در تحقیقات دیگر نقش برخی از عوامل شخصیتی مرتبط با گرایش به کار آفرینی را مهم بر شمرده‌اند و دریافته‌اند که نگرش شخصی و کنترل رفتاری ادراک شده از جمله مناسب ترین عواملی هستند که می‌توانند نیت کار آفرینانه را شرح دهند (Adli & Motallebi Varkani, 2018).

ازسوی دیگر، مطالعات بر روی خصوصیات شخصی افراد و رفتار آنها در جهت برپا کردن کسب و کارها تاکید دارد که ویژگی‌های روانشناسی، افراد را برای راه اندازی کسب و کار تحریک می‌کند. این گرایش کارآفرینانه، به ویژه در افرادی با نیاز بیشتر برای کنترل درونی و پیشرفت، گرایش بیشتر به ریسک پذیری و تحمل ابهام، مشهود است. مدل شامل هفت صفت شخصیتی است که مطالعات قبلی به تمایلات کارآفرینی افراد ارتباط می‌دهند. این ویژگی‌ها مهربانی، نیاز به پیشرفت، ریسک، برونگرایی، تحمل ابهام، کنترل درونی و روان رنجور خویی. مهربانی، که تمایل به تشریک مساعی، مراقب دوستانه، خوش نیت و فروتن بودن است، ممکن است به ساخت شبکه‌های کسب و کار خارجی کمک کند که برای برپایی یک کسب و کار جدید و تیم‌های متحد درونی، تعیین کننده است. نیاز به پیشرفت، گرایش رفتاری است که موجب می‌شود افراد با فعالیتهای خاصی ثابت قدم باقی بمانند. چنین فعالیت‌هایی نیازمند یک استاندارد تعالی است که افراد هنگام مواجهه با چالشی که نیازمند قابلیت‌ها و خواست آنها برای موفقیت است، بتوانند با آن خودشان را بسنجند (Espíritu & Sastre, 2015).

1. Shapiro

2. Ajzen

نکته دیگر اینکه، نتایج مطالعات نشان می‌دهد که مردان تمایل بیشتری به کارآفرینی دارند و پاداش‌های پولی را بسیار مهم ارزیابی می‌کنند. از دیدگاه زنان، آنچه حائز اهمیت بیشتری بوده، معنای زندگی شان است. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که پس‌زمینه خانوادگی بر تمایل به کارآفرینی تأثیر می‌گذارد (Sasu, 2015).

نتایج و پیامدهای تمایل به کارآفرینی
تمایل به کارآفرینی کارکنان و مدیران سازمان‌های مختلف، نتایج و پیامدهای مطلوبی از جمله عملکرد سازمانی، نوآوری و خلاقیت، توسعه اقتصادی، چابکی سازمانی و توسعه پایدار را به همراه دارد.

ویژگی‌های شخصیتی و تمایل به کارآفرینی
بر اساس نظریه و پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی کردنائیچ^۱ ابعاد ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه شامل موارد زیر می‌باشد.

تحمل ابهام: قدرت تحمل ابهام عبارت است از پذیرش عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانش ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل، بی آنکه شخص بداند موفق خواهد شد یا خیر (kerdnaeich, 2006).

چالش طلبی: عبارت است از میزان تمایل افراد به درگیر شدن در کارهای پیچیده و مبهم و توانایی ارائه راهکارهای سازنده در این گونه موقعیتها. این متغیر یکی از متغیرهای تکمیل‌کننده متغیر توفیق‌طلبی است که بصورت جداگانه شناسایی و اندازه‌گیری می‌شود.

رویاپردازی: توانایی فرد در ارائه ایده‌های نوین بخصوص در زمینه‌هایی جدیدی که قبلاً توسط افراد دیگر مورد کنکاش و ایده‌پردازی قرار نگرفته‌باش. این عامل به عنوان حوزه خیالی متغیر خلاقیت در افراد کارآفرین معرفی و مورد شناسایی قرار گرفته می‌شود.

ریسک‌پذیری متعادل: عبارت است از پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌تواند با تلاش‌های شخصی مهار شود. کارآفرین مایل به مدیریت و برعهده گرفتن امور و اختصاص منابع به فرصت‌هایی است که احتمال شکست معقولی را نیز به همراه دارد. بنابراین مقصود از مخاطره در اینجا ریسک غیر قابل کنترل و بی‌انتها نیست.

1. kerdnaeich

سلاست فکری: عبارت است از توانایی انجام امور فی البداهه و حل اینگونه مسائل به صورت موفقیت آمیز. این عامل به عنوان حوزه فکری متغیر خلاقیت در افراد کارآفرین معرفی و مورد شناسایی قرار گرفته می شود (kerdnaeich, 2006).

عملگرایی: این عامل به توانایی خوب انجام دادن کارها و داشتن پشتکار و امید به موفقیت در امور محوله به فرد اشاره دارد. این عامل به عنوان حوزه عملی متغیر خلاقیت در افراد کارآفرین معرفی و مورد شناسایی قرار گرفته می شود.

کانون کنترل درونی: عقیده فرد را بر اساس اینکه تحت کنترل وقایع خارجی است یا داخلی، مرکز کنترل می نامند. کارآفرینان به خود متکی هستند و موفقیت یا شکست خود را به سرنوشت، اقبال، شانس یا موارد مشابه نسبت نمی دهند (kerdnaeich, 2006).

نیاز به موفقیت: عبارت است از تمایل به انجام کار در سطح استانداردهای عالی به قصد موفقیت در موقعیتهای رقابتی. افراد برخوردار از نیاز به توفیق، تمایل دارند همواره در چالش باشند و در راه رسیدن به اهداف، همچنین نسبت به عملکرد خود، به بازخورد مکرر و منظم زمانی نیاز دارند. این افراد ترجیح می دهند تا خود مسئولیت حل مشکلات، تعیین اهداف و دستیابی به آنها را از طریق تلاش شخصی بر عهده گیرند (Espíritu & Sastre, 2015).

انواع مهارت‌های کارآفرینی

مهارت‌های کارآفرینی دسته بندی‌ها و نظریه‌های متفاوتی دارد که شامل، مهارت‌های شخصی، کنترل و نظم درونی (Huang & Wang, 2011) ریسک‌پذیری و توانایی اداره تغییر (pearce & fritz, 2010)، تغییر محوری (Ramierz, 2013)، نوآوری، پافشاری، مقاومت و پشتکار (Sam & sijd, 2015) و رهبری دوراندیشی (Mel & et al, 2017) می‌باشد.

از سوی دیگر مهارت‌های مدیریتی کارآفرینی شامل، برنامه ریزی و تعیین اهداف (Usaci, 2015)، تصمیم‌گیری (Covin & Kuratko, 2008) روابط انسانی، بازاریابی (Kafi & Hosseini, 2013)، راه‌اندازی کسب و کار، مهارت‌های مالی و حسابداری (Huang & Wang, 2011)، مدیر، کنترل، مذاکره و مدیریت توسعه (Sam & sijd, 2015) می‌باشد.

مهارت‌های فنی کارآفرینی

یکی از دسته بندی‌های مهم مبتنی بر مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های فنی است. این مهارت‌ها شامل، مهارت‌های نوشتاری (Mel, 2017)، ارتباطات شفاهی یا ارتباطات کلامی نظارت یا ارزیابی محیط (Pinheiro & Stensaker, 2013)، تکنولوژی، مهارت میان فردی، مهارت شنیداری، توانایی

سازماندهی (Espiritu & Sastre, 2015)، ایجاد شبکه‌های مدیریت (مدیریت مشارکتی)، مربی‌گری و بازیگر و ایفاکننده نقش در تیم (Mohammadi, 2016) می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در پژوهشی (Zalea, 2017) تحت عنوان "بررسی رابطه بین ویژگی‌های فردی و گرایش به کارآفرینی اجتماعی مدیران موسسات خیریه شهرستان سنندج" انجام دادند. جامعه آماری این پژوهش شامل هیئت مدیره موسسات خیریه شهرستان سنندج بود. از روش پرسشنامه جهت جمع آوری داده‌ها استفاده گردید، داده‌ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد، ویژگی‌های فردی بر گرایش به کارآفرینی اجتماعی تاثیر معناداری داشت. ویژگی توفیق طلبی بیشترین میزان تاثیر را بر گرایش به کارآفرینی اجتماعی داشت و در رتبه اول قرار گرفته، ویژگی خلاقیت در رتبه دوم، مسولیت پذیری در رتبه سوم، اعتماد به نفس در رتبه چهارم، ریسک پذیری در رتبه پنجم، کمال گرایی در رتبه ششم و ویژگی نوآوری در رتبه هفتم (آخر) قرار گرفت. (Alamkhany (2017) پژوهشی تحت عنوان "مطالعه اثربخشی ابعاد شخصیت بر کارآفرینی در بین صاحبان صنایع کوچک و متوسط" را با انجام مطالعه روی ۱۱۳ نفر از صاحبان صنایع کوچک و متوسط شهرستان مراغه با روش تحلیل همبستگی و ابزار پرسشنامه انجام دادند. نتایج مدلسازی معادلات ساختاری نشان دهنده رابطه معنادار ابعاد شخصیتی بر کارآفرینی بود. (Safary (2017) پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین تمایل به کارآفرینی با مرکز کنترل (درونی-بیرونی) از دیدگاه کارکنان تامین اجتماعی مراغه" را با استفاده از دو پرسشنامه استاندارد تمایل به کارآفرینی‌های نون و کورولا و مرکز کنترل راتر انجام داد. نتایج ضمن تایید تمام فرضیه‌های تحقیق نشان داد که بین تمایل به کارآفرینی با مرکز کنترل (درونی-بیرونی) از دیدگاه کارکنان تامین اجتماعی مراغه رابطه معنی داری وجود داشت. (Abdalahimy (2015) پژوهشی تحت عنوان "رابطه هوش عاطفی و گرایش کارآفرینی با توجه به ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان" را با مطالعه ۱۳۹ نفر از کارآفرینان (موسسین شرکت‌ها) در مراکز رشد و فناوری دانشگاه‌ها در شهر تهران (صعنتی شریف، امیرکبیر، علامه طباطبایی و شهید بهشتی) انجام داده و یافته‌ها را با استفاده از پرسشنامه استاندارد جمع آوری نمودند. یافته‌ها نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی رابطه بین هوش عاطفی با گرایش کارآفرینی را میانجی‌گری می‌کند و ویژگی‌های شخصیتی افراد بر گرایش کارآفرینی تأثیرگذار بود، اما تأثیر هوش عاطفی بر گرایش کارآفرینی در این پژوهش رد شد.

در پژوهشی تحت (Obschonka(2018 عنوان "ویژگی‌های کنفوسیوس، ویژگی‌های شخصیت کارآفرینی و گرایش به کارآفرینی در چین: یک تجزیه و تحلیل منطقه‌ای" را با روش پژوهش توصیفی پیمایشی روی ۲۶۴۰۵ نفر از کارآفرینان در ۲۴ شهر کشور چین انجام دادند. نتایج حاکی از این بود که ویژگی‌های شخصیت کارآفرینی (پنج عامل بزرگ شخصیت) بر گرایش به کارآفرینی کارآفرینان در ۲۴ شهر کشور چین تأثیر داشت. (Sitaridis(2018 پژوهشی تحت عنوان "مقاصد کارآفرینی در زمینه فناوری اطلاعات: نقش شخصیت، جنسیت و آموزش کارآفرینی" را با مطالعه موردی دانشجویان کشور یونان با روش پژوهش توصیفی پیمایشی انجام داده و نشان دادند که مقاصد کارآفرینی در زمینه فناوری اطلاعات تحت تأثیر نقش شخصیت، جنسیت و آموزش کارآفرینی بود. (Mei(2017 پژوهشی تحت عنوان "شخصیت پایدار کارآفرین: بررسی رابطه شش ویژگی برتر شخصیتی، خودکارآمدی کارآفرینی و تمایلات کارآفرینی" با مطالعه ۲۸۰ دانشجوی دانشگاه‌های چینی و استفاده از پرسشنامه بسته پاسخ استفاده انجام دادند. نتایج نشان داد که از بین شش ویژگی برتر شخصیتی، استقامت احساسی^۱ وجدان^۲، برونگرایی^۳ و روابط بین فردی^۴ بر تمایلات کارآفرینی تأثیر مثبت داشت. (2017) Antonio پژوهشی تحت عنوان "همبستگی خلاقیت، هوش، شخصیت و موفقیت کارآفرینی" را با روش پژوهش توصیفی همبستگی انجام دادند. نمونه آماری شامل دانشجویان دانشگاه پوترا در کشور مالزی بود که جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. نتایج نشان داد که بین خلاقیت، هوش، شخصیت و موفقیت کارآفرینی همبستگی مثبت وجود داشت.

روش تحقیق

این تحقیق از جهت هدف، کاربردی است و از نظر ماهیت، توصیفی و از حیث ارتباط بین متغیرهای پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند. معمولاً در هر پژوهش، جامعه مورد بررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است درباره صفت(صفت‌های) متغیر واحدهای آن مطالعه کند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مدیران مدارس ابتدایی شهر اصفهان به تعداد ۱۸۰ نفر، در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ می‌باشد.

1. Emotional Stability
2. Conscientiousness
3. Extraversion
4. Interpersonal Relationship

در پژوهش حاضر برای تعیین حجم نمونه از جدول (gerjesy&morgan, 1970) استفاده شده است. مطابق با این جدول برای جامعه ۱۸۰ نفری تعداد نمونه ۱۲۲ نفر کفایت می‌کند که در نهایت با توزیع این تعداد، ۱۲۰ پرسشنامه جمع‌آوری و ملاک تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این تحقیق پس از تعیین حجم نمونه، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است.

جدول (۱): نمونه‌های آماری

تعداد توزیع شده (تعداد نمونه)	تعداد کل	ناحیه
۹	۱۳	ناحیه ۱
۱۵	۲۲	ناحیه ۲
۲۸	۴۱	ناحیه ۳
۳۱	۴۶	ناحیه ۴
۲۳	۳۴	ناحیه ۵
۱۶	۲۴	ناحیه ۶
۱۲۲	۱۸۰	کل

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه تخصصی شامل ۲ پرسشنامه بود که اطلاعات آن به شرح زیر می‌باشد: برای سنجش متغیر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان از پرسشنامه استاندارد kerdnaeich (2006) استفاده شده که روایی و پایایی این ابزار در پژوهش ایشان بررسی و مورد تایید قرار گرفته است. این پرسشنامه دارای ۸ مولفه و ۹۵ سوال می‌باشد. برای سنجش متغیر تمایل به کارآفرینی از پرسشنامه Lumpkin & Des (1996) استفاده شده که روایی و پایایی این ابزار در این پژوهش و پژوهش‌های داخلی بسیاری بررسی و مورد تایید قرار گرفته است. این پرسشنامه دارای ۵ بعد و ۱۸ سوال می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه اصلی: ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه با تمایل به کارآفرینی در مدیران مدرسه ابتدایی رابطه دارد. در این تحقیق ملاحظه می‌شود مقدار آماره پیرسون ($0/852$) در سطح کمتر از $0/01$ ($Sig < 0/01$) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r^2) بدست آمده $72/5$ درصد واریانس "ویژگی‌های شخصیتی" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است بنابراین می‌توان چنین

اذعان نمود که رابطه میان متغیرهای فوق در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنی دار است. به عبارت دیگر فرض صفر رد می شود و فرض محقق پذیرفته می شود بنابراین "ویژگی های شخصیتی" و "تمایل به کارآفرینی" رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه اول: ریسک پذیری متعادل با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. با توجه به یافته های آماری، مقدار آماره پیرسون (۰/۷۶۰) در سطح کمتر از ۰/۰۱ ($Sig < 0/01$) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r^2) بدست آمده ۵۷/۷ درصد واریانس "ریسک پذیری متعادل" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است.

فرضیه فرعی دوم: کانون کنترل درونی با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. با توجه به نتایج ملاحظه می شود که مقدار آماره پیرسون (۰/۸۷۷) در سطح کمتر از ۰/۰۱ ($Sig < 0/01$) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r^2) بدست آمده ۷۶/۹ درصد واریانس "کانون کنترل درونی" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است.

فرضیه فرعی سوم: نیاز به موفقیت با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. با توجه به نتایج ملاحظه می شود مقدار آماره پیرسون (۰/۹۰۸) در سطح کمتر از ۰/۰۱ ($Sig < 0/01$) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r^2) بدست آمده ۸۲/۴ درصد "نیاز به موفقیت" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است.

فرضیه فرعی چهارم: سلاست فکری با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. یافته های پژوهش نشان می دهد، مقدار آماره پیرسون (۰/۸۵۵) در سطح کمتر از ۰/۰۱ ($Sig < 0/01$) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r^2) بدست آمده ۷۳/۱ درصد واریانس "سلاست فکری" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است.

فرضیه فرعی ششم: تحمل ابهام با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. یافته ها نشان می دهد، مقدار آماره پیرسون (۰/۷۰۲) در سطح کمتر از ۰/۰۱ ($Sig < 0/01$) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r^2) بدست آمده ۴۹/۲ درصد واریانس "تحمل ابهام" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است.

فرضیه فرعی هفتم: رویاپردازی با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. با توجه به نتایج آماری، مقدار آماره پیرسون (۰/۷۲۳) در سطح کمتر از ۰/۰۱ ($Sig < 0/01$) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r^2) بدست آمده ۵۲/۲ درصد واریانس "رویاپردازی" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است.

فرضیه فرعی هشتم: چالش طلبی با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. با توجه به نتایج ملاحظه می شود مقدار آماره پیرسون (۰/۶۷۷) در سطح کمتر از ۰/۰۱

(Sig<0/01) معنادار است و بر اساس ضریب تعیین (r²) بدست آمده ۴۵/۸ درصد واریانس "چالش طلبی" و "تمایل به کارآفرینی" مشترک بوده است بنابراین می توان چنین ادعان نمود که رابطه میان متغیرهای فوق در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنی دار است. به عبارت دیگر فرض صفر رد می شود و فرض محقق پذیرفته می شود بنابراین بین ابعاد "ریسک‌پذیری متعادل، کانون کنترل درونی، نیاز به موفقیت، سلاست فکری، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش طلبی" و "تمایل به کارآفرینی" رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین می‌توان این گونه بیان داشت که ضریب همبستگی بین دو متغیر در همه فرضیه‌ها، حاکی از آنست که شدت رابطه بین متغیرهای مذکور قوی و جهت آن مستقیم و مثبت است.

بحث و نتیجه‌گیری

در تفسیر و تبیین این موضوع باید عنوان نمود که تمایل به کارآفرینی اشاره به میزان انگیزه و تمایل بالقوه نیروی انسانی سازمان برای انجام فعالیت‌های کارآفرینانه و میزان توانایی و دانش آنان برای به عهده گرفتن این نوع از مسؤلیت‌ها دارد، بدیهی است که هر کس فراخور ویژگی‌های شخصیتی اش، میزان توانایی و دانش لازم برای به عهده گرفتن این نوع از مسؤلیت‌ها را دارد به طوری که بنابراین پژوهش می‌توان گفت که هر کارآفرین ویژگی‌های شخصی منحصر به فردی دارد، اما در مجموع نکات قابل توجهی در شخصیت همه کارآفرینان وجود دارد که سبب بهبود تمایل آنان به رفتارهای کارآفرینی می‌شود، به عنوان مثال میل و علاقه شدید درونی برای دستیابی به اهداف والاتر دارند. بسیاری از مردم در آرزوی موفق شدن هستند، اما هیچ رفتاری در رسیدن به این آرزوهایشان انجام نمی‌دهند، در حالی که کارآفرینان با داشتن میل دستاوردگرایی بالا، پیوسته و مداوم برای رسیدن به آرزوهایشان تلاش می‌کنند که این ویژگی به نیاز کارآفرینان به موفقیت اشاره دارد. همچنین بسیاری از کارآفرینان از کار برای دیگران (کارمندی) بیزارند و از این رو برای خودشان کار می‌کنند. آن‌ها رئیس خودشان هستند و نتایج تصمیماتشان را نیز می‌پذیرند و این ویژگی نیز به خودمختاری کارآفرینان اشاره دارد و سبب تمایل مدیران به انجام کارهای نو (کارآفرینی) می‌شود، در مرتبه سوم نیز باید بیان نمود که کارآفرینان افرادی هستند که در شرایط عدم قطعیت تصمیم‌گیری می‌کنند و به همین دلیل حتماً باید ریسک‌پذیر باشند. آن‌ها ریسک‌های منطقی، مناسب و در عین حال چالشی را با شانس منصفانه و قابل قبول بر می‌گزینند، بنابراین بدیهی است که مدیری که راحت تر ریسک را می‌پذیرد، توانایی و دانش بیشتری نیز جهت عهده گرفتن مسؤلیت‌های جدید و کارآفرینی دارد، همچنین هر کارآفرین شایستگی شغلی که بر عهده می‌گیرد را از قبل

احراز کرده است. آن‌ها شخصا مشکلاتی که در طول راه اندازه پروژه پدیدار می‌شود را حل می‌کنند و صادقانه برای اجرای موفقیت آمیز کل پروژه کار و تلاش می‌کنند و بنابراین چالش طلب هستند و برای انجام کارهای نو، سری پر دردسر دارند، همچنین «انعطاف‌پذیری» آنها زیاد است. بسیاری از کارآفرینان موفق جنبه‌های مثبت و منفی یک تصمیم را اندازه‌گیری کرده و متناسب با شرایط آن‌ها را تغییر می‌دهند. آن‌ها «توانایی تجزیه و تحلیل ذهنی» خوبی دارند. کارآفرینان تحت تاثیر حب و بغض‌های شخصی شان قرار نمی‌گیرند و بنابراین توانایی کارآفرینی و تمایل به کراهای جدید را دارند، در نهایت باید بیان نمود که آن‌ها در نگرش‌هایشان واقع‌نگر و منطقی هستند و به همین دلیل خود را از تعصبات و پیش‌داوری‌ها دور نگه می‌دارند و در عمل به هنگام نیاز از متخصصان و کارشناسان خبره استفاده می‌کنند نه دوستان و خویشاوندان، بنابراین این افراد معمولاً از نگاه‌های احساسی و هیجانی به مشکلات و مسائل کسب و کارشان اجتناب می‌کنند و می‌توانند کارهایی نو انجام دهند و مسئولیت‌های جدید را بپذیرند و بنابراین می‌توان ادعا نمود که ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه با تمایل به کارآفرینی در مدیران مدرسه ابتدایی رابطه دارد.

در تبیین و تفسیر فرضیه اول می‌توان گفت، این موضوع باید عنوان نمود که ریسک‌پذیری متعادل عبارت است از پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌تواند با تلاش‌های شخصی مهار شود. در این مفهوم مدیران تمایل به مدیریت و برعهده گرفتن امور و اختصاص منابع به فرصت‌هایی دارند که احتمال شکست معقولی را نیز به همراه دارد. بنابراین مقصود از مخاطره در اینجا ریسک غیر قابل کنترل و بی‌انتهای نیست، بدیهی است که افرادی که توانایی ریسک‌پذیری داشته باشند به نسبت دیگران که تحمل پذیرش ریسک را دارند، دست به کارهای جدید و انجام کارهای جدید با شیوه‌های جدید می‌پردازند و بدین ترتیب می‌توان عنوان نمود که ریسک‌پذیری متعادل با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد، پرا که تمایل به کارآفرینی جیزی نیست جز انجام کارهای جدید و یا انجام کارها به شیوه‌های جدید.

در تبیین فرضیه دوم باید به این موضوع اشاره داشت که کنترل درونی به این موضوع اشاره دارد که هر فردی ممکن است تحت کنترل وقایع خارجی یا داخلی باشد، اما در این بین مدیرانی که به خود متکی هستند و موفقیت یا شکست خود را به سرنوشت، اقبال، شانس یا موارد مشابه نسبت نمی‌دهند، بیشتر بر قوای درونی خود متکی هستند و در انجام کارهایشان خود را مسئول می‌دانند و لذا برای انجام کارهای جدید و توسعه کسب و کارهایی، با تکیه بر قوی درونی خویش اقدام می‌کنند و چون بر توانایی خود ایمان دارند، تمایل بیشتری به کارآفرینی دارند، چرا که کار آفرینی همان استفاده از قوای انسانی است که فرد در درونش دارد و باعث می‌شود

به نوآوری تبدیل شود، لذا می‌توان بیان نمود که کانون کنترل درونی با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد.

در تبیین فرضیه سوم باید عنوان نمود که نیاز به موفقیت عبارت است از تمایل به انجام کار در سطح استانداردهای عالی به قصد موفقیت در موقعیت‌های رقابتی. افراد برخوردار از نیاز به توفیق، تمایل دارند همواره در چالش باشند و در راه رسیدن به اهداف، همچنین نسبت به عملکرد خود، به بازخورد مکرر و منظم زمانی نیاز دارند. این افراد ترجیح می‌دهند تا خود مسئولیت حل مشکلات، تعیین اهداف و دستیابی به آنها را از طریق تلاش شخصی بر عهده گیرند، از طرفی کار آفرینی یعنی انجام وظایف، فعالیتها و اعمال جدید که برای به تحقق رساندن فرصت و ایجاد موفقیت‌های سازمانی. بنابراین می‌توان ادعا نمود که مدیرانی که در درون خود نیاز به موفقیت را احساس می‌کنند، در جهت رسیدن به اهداف خویش و جهت تحقق اهداف سازمانی، چاره ای جز انجام وظایف، فعالیتها و اعمال جدید ندارند و لذا می‌توان گفت که نیاز به موفقیت با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد.

در تفسیر و توضیح فرضیه چهارم باید عنوان نمود که سلاست فکری عبارت است از توانایی انجام امور فی‌البداهه و حل اینگونه مسائل به صورت موفقیت آمیز. این عامل به عنوان حوزه فکری متغیر خلاقیت در افراد کارآفرین معرفی و مورد شناسایی قرار گرفته می‌شود. بنابراین پرواضح است که خلاقیت و سلاست فکری به پیزی جز ایده‌های جدید در ذهن مدیران منجر نمی‌گردد و نهایتاً این امر سبب می‌گردد که مدیران در راستای کارآفرینی گام بردارند و بنابراین می‌توان گفت که سلاست فکری با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد.

در توضیح و تبیین فرضیه پنجم باید عنوان نمود که عملگرایی به توانایی خوب انجام دادن کارها و داشتن پشتکار و امید به موفقیت در امور محوله به فرد اشاره دارد. این عامل به عنوان حوزه عملی متغیر خلاقیت در افراد کارآفرین معرفی و مورد شناسایی قرار گرفته می‌شود. بنابر این تعریف می‌توان گفت که تفاوت عملگرایی و سلاست فکری در حوزه‌های اجرای آنها می‌باشد، چرا که سلاست فکری به ایده‌های جدید و عملگرایی به اجرای این ایده‌ها در مرحله عمل اشاره دارد و اجرای ایده‌های جدید به مفهومی جز کارآفرینی و انجام کارهای جدید و توسعه یک کسب و کار منجر نمی‌گردد، چرا که کار آفرینی یعنی استفاده از فرصت‌های محیطی، نیازهای مردم، نوآوری‌های فنی و سازمانی، منابع مالی پراکنده اما قابل دسترسی برای ایجاد کسب و کار جدید و خطر خیز. بنابراین می‌توان گفت که عملگرایی با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. در توضیح و تفسیر فرضیه ششم باید عنوان نمود که قدرت تحمل ابهام

عبارت است از پذیرش عدم قطعیت به عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانش ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل، بی آنکه شخص بداند موفق خواهد شد یا خیر؟ از طرفی کار آفرینی فرایند خلق ابتکار و نوآوری‌ها و ایجاد کسب و کارهای جدید در شرایط خطر خیز از طریق کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع است، بنابراین مدیری که تحمل ابهام را به خوبی داشته باشد با صبر و شکیبایی خویش در این مسیر بهتر می‌تواند به کشف فرصت‌ها و بهره‌گیری از منابع بپردازد و بنابراین ایجاد کسب و کارهای جدید موفق‌تر عمل خواهد کرد و بنابراین می‌توان ادعا نمود که تحمل ابهام با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. در تفسیر فرضیه هفتم ادعان نمود که رؤیا پردازی به توانایی فرد در ارائه ایده‌های نوین بخصوص در زمینه‌هایی جدیدی که قبلاً توسط افراد دیگر مورد کنکاش و ایده پردازی قرار نگرفته باشد. این عامل به عنوان حوزه خیالی متغیر خلاقیت در افراد کارآفرین معرفی و مورد شناسایی قرار گرفته می‌شود. پر واضح است که قبل از ایجاد هر کسب و کار جدید توسط هر کارآفرینی، رویاپردازی در کار بوده است، چرا که اساساً هیچ ایده و عملی در خلأ شکل نمی‌گیرد و رویاپردازی به عنوان ویژگی بارز کارآفرینان شناسایی می‌شود و لذا می‌توان گفت که رویاپردازی با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد.

در تفسیر و تبیین فرضیه هشتم به این موضوع اشاره می‌شود که چالش طلبی عبارت است از میزان تمایل افراد به درگیر شدن در کارهای پیچیده و مبهم و توانایی ارائه راهکارهای سازنده در این گونه موقعیت‌ها. این متغیر یکی از متغیرهای تکمیل‌کننده متغیر توفیق طلبی است که بصورت جداگانه شناسایی و اندازه‌گیری می‌شود و کار آفرینی چیزی نیست جز توسعه موقعیت‌ها و اقدامات ریسکی نوآور، چه در سازمانی که قبلاً تاسیس شده و چه به صورت آزاد و مستقل. بنابراین می‌توان گفت که مدیران چالش طلب به واسطه این ویژگی خویش به راحتی تن به پذیرفتن ریسک و خطر می‌دهند و در راستای کسب موفقیت به کارآفرینی روی می‌آورند و بنابراین می‌توان گفت که چالش طلبی با تمایل به کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی رابطه دارد. همچنین بر اساس آزمون لوین بین گروه مردان و زنان تفاوت معنادار آماری نیست و با استفاده از آزمون‌های پست‌هاک و روش معروف جیمز هوئل گروه سنی که باعث این تفاوت معنادار شده است و بین گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ تمایل به کار آفرینی بیشتر است.

در بحث سطح تحصیلات، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در گروه‌های تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه در گروه تحصیلی کارشناسی بیشتر باشد و در سابقه خدمت تفاوت معناداری در میان گروه‌های مختلف وجود نداشت.

پیشنهادات کاربردی بر مبنای یافته‌ها

فرصت‌هایی برای آشنایی مدیران با روش‌های جدید و بهره‌گیری از استراتژی‌های توانمندسازی و تشکیل تیم و توسعه فرهنگ تغییر پذیری و کاهش مقاومت در برابر تغییر (ریسک پذیری). آشنایی مدیران با توانایی تسلط به خود و شناخت جایگاهشان (کانون کنترل درونی). تشویق‌های غیر مادی از جمله تفویض برخی اختیارات برای اثر گذاری بهتر (نیاز به موفقیت). همایش‌هایی برای شنیدن ایده‌های جدید و تقویت نقش مشورتی آنها (سلاست فکری). تشویق بر اساس شایستگی و عملکرد و جبران عادلانه (عملگرایی). بهبود ویژگی تحمل ابهام مدیران از طریق آموزش مدیران مدارس جهت اتخاذ تصمیم مناسب در شغل و حرفه خویش جهت مقابله با ابهام و ناشناخته (تحمل ابهام). رویا پردازی : بهبود ویژگی رویاپردازی از طریق حمایت از رویاها و اهداف مدیران توسط نظام و وزارت آموزش و پرورش. چالش طلبی : بهبود ویژگی چالش طلبی در مدیران از طریق فرایند تغییر عملکرد مدیران از وضعیت «آنچه که به آنها گفته می‌شود تا انجام دهند» به «آنچه که نیاز است انجام دهند».

منابع

- Abdalahimy, M. (2015). "The relationship between emotional intelligence and entrepreneurial orientation according to the personality traits of entrepreneurs", *Thesis of Allameh Tabatabai University, Faculty of Management and Accounting, Ministry of Science, Research and Technology*, p:42-65(in Persian).
- Adli, F., & Motallebi Varkani, A. (2018). "Seeking to Understand the Schools' Principals of Their Functional and Professional Nature", *journal of school administration*, Winter 2018,6(2):19-39.(in Persian).
- Ahmadi, F., Shafeae, R., & Mafakhrreniea, F. (2012). "Investigating the effect of individual and environmental factors on the entrepreneurial behavior of Kurdistan University students", *Journal of Entrepreneurship Development*, Winter2012,1(5):46-65.(in Persian).
- Ajzen, I. (1991). "The theory of planned behavior". *Organizational Behavior and Human Processes*, 50(2), 179-211.
- Alamkhany, A., Ghasenzadeh, D., & Mojod, R. (2017). "Study of the effectiveness of personality dimensions on entrepreneurship among small and medium industry owners", *2nd International Conference on Management and Accounting*, Tehran, Salehan Higher Education Institute, Conference Proceedings.2017,81-94. (in Persian).
- Antonio, T., Lanawati, S., Wiriana, T. A., & Christina, L. (2014). "Correlations Creativity, Intelligence, Personality, and Entrepreneurship Achievement". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 115, 251-257.
- Covin, J. G., & Kuratko, D. F. (2008). "The concept of corporate entrepreneurship". In V. Narayanan & G. O'Connor (Eds.), *The Blackwell encyclopedia of technology and innovation management*. Oxford, UK: Blackwell Publishers.
- Espíritu-Olmos, R., & Sastre-Castillo, M. A. (2015). "Personality traits versus work values: Comparing psychological theories on entrepreneurial intention". *Journal of Business Research*, 68(7), 1595-1598.
- Huang, K. P., & Wang, K. Y. (2011). "The moderating effect of social capital and environmental dynamism on the link between entrepreneurial orientation and resource acquisition", *The journal of Quality & quantity*, Uk,16-29.
- Kafi, F. S., & R. Hosseini. (2013). "Assessment the Personality Characteristics of Entrepreneurs Starting up Knowledge Based Firms in Science and Technology Parks". *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*. Vol, 5 (9): 1169-1174. Available online at www.irjabs.com.
- Kerdnaeich, A. (2006). *The Entrepreneurial Personalities: A study of personality traits and leadership preferences of entrepreneurs*, The IKE Research GroupThe Faculty of Social Sciences Department of Business and Management Business Design Center, Publisher: Aalborg Universitetsforlag, ISBN (Electronic):978-87-7112-453-8,259.
- Lumpkin, G.T., & Dess, G.G. (1996). Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. *Academy of Management Review*,21(1), 135-172.
- Matviuk, S.G. (2010). "A Study of Peruvian Entrepreneurs Leadership Expectations", *Journal of American Academy of Business*, 16(1), 65-70.

- Mei, H., Ma, Z., Jiao, S., Chen, X., Lv, X., & Zhan, Z. (2017). "The Sustainable Personality in Entrepreneurship: The Relationship between Big Six Personality", *Entrepreneurial Self-Efficacy, and Entrepreneurial Intention in the Chinese Context*. Sustainability, 9(9), 1649.
- Mohammadi, T., Hasani, R., & Mohammadi, M. (2019). "Teacher`s Awareness and Attitude towards the Concepts and Commandments of the Fundamental Transformation Document (FTD) of the Ministry of Education in Kurdistan Province", *Journal of School Administration*, 7(4), Winter 2019:31-57.(in Persian).
- Obschonka, M., Zhou, M., Zhou, Y., Zhang, J., & Silbereisen, R. K. (2018). "Confucian traits, entrepreneurial personality, and entrepreneurship in China: a regional analysis". *Small Business Economics*, Uk 1-19.
- Pearce, J.A., Fritz, D.A., & Davis, P.S. (2010). "Entrepreneurial orientation and the performance of religious congregations as predicted by rational choice theory". *Entrepr. Theory Pract*, 34(1), 219–248.
- Ramirez, A. (2013). *Project manager's characteristics influence in the entrepreneurial process: A project-based entrepreneurship model*. Department of Industrial Economics and Management. andres.
- Pinheiro, R., & Stensaker, B. (2013). "Designing the Entrepreneurial University: The Interpretation of a Global Idea", *Public Organizations Review*, Online Publication Date: 20 July 2013, DOI 10.1007/s11115-013-0241-z.
- Porkarim, J., Farzaneh, F., & Norozi, M. (2016). "Exploring the Professional Competencies of High School Principals: The Results of a Mixed Method Study". *Journal of School Administration*, 4(1), Spring & Summer 2016, 1-25. (in persian).
- Sam, C., & Van der Sijde, P. (2014). "Understanding the concept of the entrepreneurial university from the perspective of higher education models", *Higher Education*, Online Publication date: 28 March 2014, DOI 10.1007/s10734-014-9750-0.
- Safary, E. (2017). "Investigating the Relationship between Entrepreneurship Tendency and Control Center (Internal-External) from the Perspective of Maragheh Social Security Staff", *3rd International Conference on Industrial Management and Engineering*, Tehran, Holy University of Ardabil, Conference Proceedings.2017,41-64. (in Persian).
- Sasu, C., & Sasu, L. (2015). "Demographic determinant of the entrepreneurship intentions. The case of Romania". *Procedia Economics and Finance*, 20, 580-585.
- Sitaridis, I., & Kitsios, F. (2018). "Entrepreneurial intentions in the field of IT: The role of gender typed personality and entrepreneurship education". *In Global Engineering Education Conference (EDUCON)*, 2018 IEEE,1854-1859.
- Usaci, D. (2015). "Predictors of professional entrepreneurial intention and behavior in the educational field". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 187, 178-183.
- Zalea, R., & Parviz, K. (2017). "The relationship between individual characteristics and tendency to social entrepreneurship of managers of charitable organizations in Sanandaj", *The first conference on accounting, management and economics with the dynamic approach of national economy*, Islamic Azad University, Malayer Branch, Conference Proceedings.2017,71-92. (in Persian).